■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۵۱۲ ■ چهارشنبه ■ ۱۹ آذر ۱۳۹۹

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
چاپخانه جام جم برتر برنا
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۱/۵۷ | اذان مغرب ۱۷/۱۱ | نیمه شب شرعی ۲۳/۱۲ | اذان صبح فردا ۵/۳۴ | طلوع آفتاب فردا ۷/۰۴

سخن روز

پیامبر اکرم (ص):
نخستین چیزی که روز قیامت در ترازوی اعمال «بنده» گذاشته می شود، اخلاق خوب اوست.
قرب الاسناد، ص ۴۶، ح ۱۴۹

رضا فیاضی: باورم نمی‌شد ترامپ شوم

خودم هم باورم نمی‌شد نقش ترامپ را بازی کنم. وقتی این نقش پیشنهاد شد، جا خوردم و خیلی شگفت‌زده شدم. باورم نمی‌شد چهره‌ام به ترامپ نزدیک باشد ولی بعد از اینکه با چند نفر از دوستان صحبت کردم و تست گریم را دیدم، برای خودم هم جالب شد. نقش‌های خارجی زیادی بازی کرده‌ام؛ کاراکترهای انگلیسی و امریکایی، روس، فرانسوی ولی مسلماً نقش ترامپ برایم هیجان زیادی داشت. هنوز برنامه اکران این فیلم تئاتر در ایران مشخص نیست ولی امیدوارم نمایش در داخل کشور هم دیده شود.

بازیگر تئاتر از بازی اش در فیلم تئاتر بین‌المللی «من ترامپ نیستم» و نقش ترامپ به ایسنا گفت.

برخی چنینند که بلندی خود را در پستی دیگران می‌جویند. به‌هزار زبان فریاد می‌زنند که: تو نرو تا ایستاده من، بر تو پیشی داشته باشد! اینگونه آدم‌ها از آن رو که در نقطه‌ای جامد شده و مانده‌اند؛ چشم دیدن هیچ رونده و هیچ راهی را ندارند. کینه‌توز، کینه‌توز؛ مار سر راه!

کلیدر/ محمود دولت آبادی
نشر: فرهنگ معاصر

نـــگاره
امیرعباس تبریزی

نحوه رانندگی شما، نشان دهنده شخصیت شماست

در این روزهای بلازده

صدا و سیما کمک حال تئاتر باشد

پنجره رو به دیوار

رضا آشفته
منتقد

در این اوضاع نابسامان اقتصادی و روزهای پر ملال کرونایی تلویزیون می‌تواند کمک حال تئاتر باشد و با تولید تله تئاتر به داد هنرمندان نازنین این رشته هنری برسد. این روزها در خبرها آمده که صدا و سیما در یک حرکت آشتی جویانه به سمت تئاتر آمده و بخشی از تولیدات تله تئاتر خود را از گذشته، بازپخش می‌کند و با آنکه این خبر مسرت بخش است اما دردی از اهل تئاتر را درمان نمی‌کند چون ارتزاق آنان از تولید مجدد تئاتر است که ممکن می‌شود و نه از پخش مجدد.

روزگاری بخشی از هویت و اعتبار تلویزیون همین تولیدات تئاتری اش بود، برای همین برنامه دقیق و منسجمی برای چنین تولیداتی در نظر گرفته می‌شد و بهترین روزهای هفته و ساعات روز برای پخش آنها اختصاص می‌یافت که مبادا مخاطبان این فرصت را از دست دهند؛ در تلویزیون خصوصی پاسال که سال ۳۷ راه‌اندازی شد، چهارشنبه شب ها ساعت ۱۰ بهترین ساعت برای پخش زنده تله تئاتر بود که سازماندهی این برنامه‌ها با شادروان عباس جوانمرد بود و بعد از تأسیس تلویزیون ملی هم یک واحد مستقل برای تولید تئاتر به نام واحد نمایش راه‌اندازی شده بود و شادروان داوود رشیدی مدیریت و برنامه‌ریزی اش را عهده دار بود و... در دهه شصت همواره تولید تله تئاتر و پخش آنها با اهمیت بیشتری پیگیری می‌شد، شاید تولید سریال هزینه بر بود و جنگ نمی‌گذاشت برای آن سرمایه‌گذاری کلانی بشود؛ به هر روی تولیدات چشمگیری به کارگردانی داریوش مؤدبیان، حسن فتحی، داوود میرباقری، اسماعیل خلج، رضا ژیان و... روی آنتن آمد که هنوز هم بازپخش برخی از آنان مانند سوزنبانان و باجناق‌های داریوش مؤدبیان، دو مرغابی در مه حسین پناهی، بازپرس وارد می‌شود رضا بابک و... می‌تواند هم خاطره برانگیز باشد و هم حس خوبی به نسل‌های تازه‌تر ما بدهد... که بعدها محمد رحمانیان چنین نمونه‌هایی را در دهه ۸۰ روی آنتن آورد ،مانند بازرس!

با چنین پیشینه‌ای حیف است که تئاتر را نادیده بگیریم و نخواهیم از این نعمت یک فرصت طلایی برای تلویزیون و شبکه‌های کم رونقش بسازیم. این روزها تلویزیون می‌تواند برای یک سال دست‌کم ۲۰۰ تله تئاتر متفاوت و متنوع را برای پخش از شبکه‌های متعدد در نظر بگیرد و حتی شبکه‌های شهرستان با دعوت از گروه های حرفه‌ای استان های خود در چنین طرح و برنامه ضرورتی و حمایتی فعال شوند؛ هم کمدی‌ها، هم تراژدی‌ها و هم ملودرام‌ها زمینه ساز گسترش مخاطبان خواهند بود و هم تله تئاترهایی برای بچه‌ها که نگاه تازه‌ای را برای فراهم شدن اوقات بهتر تدارک خواهند دید، حتی برخی از نمایش‌های عروسکی نیز می‌توانند در یک فرآیند درست و دقیق به جدول پخش شبکه‌های مختلف کشوری، استانی و حتی بین‌المللی صدا و سیما وارد شوند و در این روزگار بلا هم ارتزاقی برای اهل تئاتر باشد و هم تولیدات شایسته‌ای برای خود صدا و سیما که درواقع یک صرفه‌جویی بهینه و کارآمد نیز برای این سازمان است ،چون که هزینه دویست سیصد نمایش تلویزیونیِ در حد دو سه سریال بلند است اما بازپخش سریال‌ها به بار دوم عموماً نمی‌رسند اما تله تئاترها همواره امکان پخش برای مخاطبان گوناگون را دارند. از آن سو بخشی از این تولیدات به‌عنوان سرمایه ملی سر زبان ها می‌افتد و خود اعتبار بخش صدا وسیما خواهد بود که در این وانفسای کمرنگ شدن صدا و سیما و از آن سو نیز حضور رقیبان خارجی، بتوان دوباره با هویت دادن به یک حرکت سازماندهی شده و ملی و میهنی در کسب این اعتبار کوشید؛ به هر روی هر حرکت شایسته‌ای دوام و بقای خود را در اذهان عمومی ثبت می‌کند و هیچ چیزی معتبرتر از این نخواهد بود.

ضدآفتاب مرغوب

بهاءالدین مرشدی
داستان‌نویس

در باب حقیقت دنیا

ما دانشجو بودیم. همه‌مان آن‌وقت‌ها. دانشجویی شکل دیگری از زندگی است. فراغت عجیبی دارد. با دوره قبلش زمین تا آسمان فرق می‌کند. بی‌قیدی دوران قبل را ندارد و هنور هم مسئولیتی ندارد. معلقی بین آسمان و زمین. همین یعنی سرخوش بودن. ما دانشجو بودیم و در سالن آمفی‌تئاتر جمع می‌شدیم و سخنرانی می‌شنیدیم.

یک‌بار بیضایی آمد. اولین و آخرین باری که بیضایی را دیدم میان انبوه دانشجوها بود به‌وقت خارج شدن از سالن. این یعنی به سخنرانی‌اش نرسیدم. یک‌بار هم محمد صالح‌علا سخنرانی گذاشت درباره سینما. او درباره سینما حرف نزد او برای‌مان فقط ترانه خواند و گفت چقدر این ترانه‌هایش سینمایی است.

یک‌بار هم شمس لنگرودی سخنرانی گذاشت. ما از ته سالن داد می‌زدیم پنجاه‌ویک، باز هم داد می‌زدیم پنجاه‌ویک اما او شعر پنجاه‌وشش را می‌خواند. ما داد می‌زدیم پنجاه‌ویک اما او شعر هفتادویک را می‌خواند و ما باز هم داد می‌زدیم و او شعر دیگری می‌خواند. همان سال‌ها بود که بعد از ده سال مجموعه شعر «نت‌هایی برای بلبل چوبی» را منتشر کرده بود. شکل دیگری از شعر شده نه شبیه بود به گذشته‌اش و نه شبیه بود به شعرهای بعدی‌اش که چاپ شدند. اما این نوشته درباره دانشجو و روز دانشجو نیست.

این نوشته درباره شعر پنجاه‌ویک است که شمس لنگرودی آن را پشت تریبون نخواند و پایین آمد و ما دوره‌اش کردیم که چرا شعر پنجاه‌ویک را نخوانده و او هم گفت نشنیدم در آن شلوغی و البته ما دور بودیم از جایی که او روی صحنه نشسته بود.

شعر پنجاه‌ویک شعری است که یک پا ندارد. شعری است از زبان شاملو برای پای بریده شده‌اش. پس این نوشته را برای احمد شاملو می‌نویسم که همین چند روز دیگر تولد اوست. او ۲۱ آذر متولد شده. همان روزی که رضا براهنی ۱۰ سال بعد متولد شده است.

این شعر شمس را که به شاملو تقدیم کرده اگر بگذاریم در کنار شعر «در آستانه» شاملو دو رفتن را مقایسه کرده‌ایم. یکی از نگاه شاعر به زیست خودش و دیگری از نگاه شاعری دیگر به زیست او. اما فکر می‌کنید این دو نگاه چه تفاوتی با هم دارند؟ البته که اگر بخواهم وارد تفاوت‌ها بشوم باید خط به خط شعرها را پیش ببرم. آنجا که شاملو در آستانه ایستاده و می‌خواهد برود و برای رفتن هم می‌گوید که زندگی برایش چیزی کم نگذاشته.

شمس در بی‌قیدی دنیا را سپری می‌کند در این شعر از زبان شاملو. اما فکر می‌کنید شباهت این نگاه دو شاعر به مرگ منتشر در این شعرها چیست؟ شباهت در نگاه شاعرانه است به مرگ. اصلاً نگاه شاعرانه است به دنیا. چه وقتی شعرها انقلابی است و هیجان دارد و شورشی است و چه وقتی که از آرمان‌خواهی دست کشیده و دنیا همین است که هست. همه دنیا در برابر شاعر شعر است. اصلاً وقتی این‌طور به زندگی نگاه کنیم چه اتفاقی می‌افتد؟ شعر منتشر می‌شود. جاری می‌شود. سیل می‌شود و راه می‌گیرد و دنیا سرسبز می‌شود. اما حقیقتش را بخواهید دنیا شعر محض نیست.

شاعر هم همه زندگی‌اش شعر نیست. شاعر لحظه‌های شاعرانه‌اش را برای ما می‌نویسد و در خلوت خودش زندگی‌اش را پی می‌گیرد. می‌گویند زندگی فلانی شاعرانه است. فلانی شاعرانه زیست. اما فکر می‌کنید این حقیقت دنیاست؟

کودکانه

جعفر توزنده جانی
نویسنده

دنیای کودکانه‌ای که باید بپذیریم

کتاب «دکمه‌های گربه‌ای» یک کتاب خوب است که من شک ندارم بچه‌ها خیلی دوست خواهند داشت. چون در این کتاب به بچه‌ها خیلی اهمیت داده شده است. در این کتاب گفته شده است که بچه‌ها درست است کوچک هستند یعنی قد و اندازه کوچکی دارند اما آنها هم برای خودشان کسی هستند و باید آنها را بپذیریم. در این کتاب با یک خانواده سه نفره آشنا می‌شوید؛ یک دختر و پدر و مادرش. توی این کتاب دو تا دنیا هست؛ دنیای کودک و دنیای پدر و مادر. در این داستان یکی از دکمه‌های خانم کوچولوی داستان فرار می‌کند. بله فرار می‌کند چون گربه‌ای است. شاید بزرگترها بگویند مگر دکمه هم فرار می‌کند و گم می‌شود؟ خب همین جاست که متوجه می‌شویم دنیای کودکان با دنیای بزرگترها خیلی فرق دارد. اما مهم این است که هر دو گروه دنیای همدیگر را بپذیرند. پایان داستان این کتاب خیلی قشنگ است. چون هر سه نفر یک مقصد دارند. بخوانید تا بدانید این سه نفر که لباس نو و زیبا می‌پوشند کجا می‌خواهند بروند. این داستان مصور برای کودکان دبستانی کاملاً مناسب است.

دکمه‌های گربه‌ای
نویسنده: تهمینه حدادی
تصویرگر: هاله قربانی
نشر: سروش

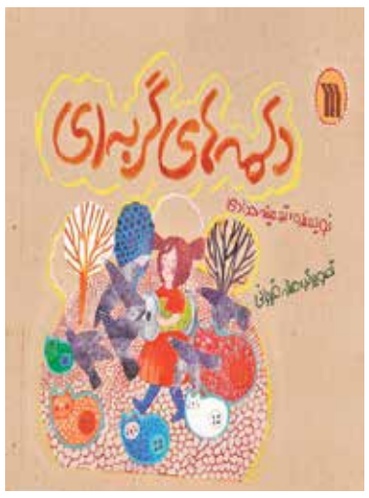

به نام تاریخ

■ **۱۹ آذر**

سال ۱۳۶۳ در چنین روزی شورای عالی انقلاب فرهنگی ایران به دستور امام خمینی(ره) تشکیل شد. سال ۱۳۵۹ ستاد انقلاب فرهنگی تشکیل شد تا مدیریت انقلاب فرهنگی را برعهده بگیرد و سال ۶۳ این ستاد با تصویب لایحه‌ای که دولت وقت به مجلس شورای اسلامی ارائه کرده بود به شورای عالی انقلاب فرهنگی تبدیل شد. بازبینی محتوای کتاب‌های درسی، بازگشایی دانشگاه‌ها و تأسیس دانشگاه‌ها و نهادهای جدید از وظایف این شورا بود و اکنون هم وظیفه سیاستگذاری کلان کشور در امور آموزشی و فرهنگی را برعهده دارد.

■ **تولدها**

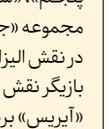

کرک داگلاس: امروز صد و چهارمین سالروز تولد بازیگر مشهور امریکایی است. کرک داگلاس پس از جنگ جهانی دوم با بازی در نقش‌های کوتاهی در نمایش‌های برادوی کارش را به‌عنوان بازیگر آغاز کرد و سال ۱۹۴۶ با بازی در فیلم «عشق عجیب مارتا ایورس» وارد سینما شد. پس از آن با فیلم‌هایی مانند «تنهایی قدم می‌زنم»، «نامه‌ای به سه همسر» و «قهرمان» شناخته شد که برای فیلم «قهرمان» نامزد اسکار شد. «یک داستان کارگاهی»، «در امتداد مرگ و زندگی»، «تک خال در آستین»، «درختان بزرگ»، «بدوزیبا»، «اولیس»، «بیست هزار فرسنگ زیر دریا»، «میل برای زندگی»، «اوکی کرال»، «راه‌های افتخار» و «وایکینگ ها» دیگر فیلم‌های شاخصی بودند که با بازی داگلاس ساخته شدند. بازی داگلاس در فیلم «اسپارتاکوس» بسیار مورد توجه قرار گرفت و در کنار این وقتی به‌عنوان تهیه کننده نام دالتون ترامبو فیلمنامه نویس این فیلم را در تیتراژ فیلم ثبت کرد به‌عنوان یکی از چهره‌های تأثیرگذار هالیوود شناخته شد. چون ترامبو یکی از نام‌های لیست سیاه مک کارتی بود و نباید نامش در تیتراژ ذکر می‌شد. او سال ۱۹۹۵ برای ۵۰ سال حضور در سینما جایزه افتخاری اسکار را گرفت و مدال ملی هنر را هم دریافت کرد. کرک داگلاس اوایل سال ۲۰۲۰ درگذشت.

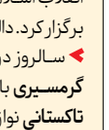

جان میلتون: شاعر مشهور انگلیسی که با «بهشت گمشده» شناخته می‌شود سال ۱۶۰۸ در چنین روزی به دنیا آمد. جان میلتون زمانی که در دانشگاه کمبریج درس می‌خواند شروع به نوشتن شعر به زبان‌های ایتالیایی، لاتین و انگلیسی کرد. او در کنار اینها از سال‌های ۱۶۴۱ تا ۱۶۶۰ اندیشه‌هایش را درباره آزادی بیان و آموزش نوشت و منتشر کرد اما شهرت میلتون با «بهشت گمشده» به دست آمد. اثری حماسی که اولین بار در ۱۰ بخش و ۱۰ هزار بند مجزا در سال ۱۶۶۷ منتشر شد. میلتون سال ۱۶۷۴ این اثر را با بازنگری کلی در ۱۲ بخش منتشر کرد و از آنجایی که در نیمه‌های نوشتن این اثر بینایی اش را براثر مطالعه زیاد از دست داده بود آنچه در ذهنش بود برای دخترانش بازگو می‌کرد و آنها می‌نوشتند. «بهشت بازیافته» و «سامسون آگونیست» دیگر آثار میلتون است. او سال ۱۶۷۴ درگذشت.

جودی دنچ: بازیگر انگلیسی سال ۱۹۳۴ به دنیا آمد. جودی دنچ بازیگری را سال ۱۹۵۷ و با بازی در نمایشنامه هملت آغاز کرد و پس از آن در بسیاری از نمایش‌های مطرح آن زمان بازی کرد. سال ۱۹۶۴ وارد سینما شد و پس از آن با بازی در فیلم‌هایی مانند «هنری پنجم»، «شکسپیر عاشق»، «شکلات»، «آیریس» و چند فیلم از مجموعه «جیمز باند» به شهرت رسید. او سال ۱۹۹۸ و برای بازی در نقش الیزابت اول در فیلم «شکسپیر عاشق» جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش مکمل زن را به دست آورد و برای فیلم‌های «براون» و «آیریس» برنده جایزه بفتا شد.

◄ **ریچارد برتن** بازیگر انگلیسی، **جان مالکویچ** بازیگر امریکایی، **هوشنگ هیاهوند** بازیگر، **کنت برانا** بازیگر انگلیسی، **ندا امین** داستان نویس، **رضا دبیری جوان** شاعر، **احمد شاکری** داستان نویس، **جواد نوربخش** نویسنده و شاعر، **یوهان یواخیم وینکلمان** تاریخ نگار هنر آلمانی و **خواکین تورینا** آهنگساز اسپانیایی هم متولد امروز هستند.

■ **درگذشت‌ها**

احمدرضا دالوند: نویسنده و گرافیست مطرح ایرانی سال ۱۳۹۷ در چنین روزی درگذشت. احمدرضا دالوند متولد ۱۳۳۷ بود و رشته گرافیک را در دانشگاه تهران و زیر نظر استادانی مانند مرتضی ممیز و هانیبال الخاص خواند. او در سال‌های فعالیتش طراح آرم‌ها و لوگوهای مختلف بود و به‌عنوان گرافیست با بسیاری از نشریه‌های مطرح همکاری می‌کرد. علاوه بر این به‌عنوان نخستین منتقد هنر تجسمی پس از پیروزی انقلاب اسلامی مطرح شد و نمایشگاه‌های زیادی هم از آثار خودش برگزار کرد. دالوند سال ۱۹۹۲ طراح برگزیده کتاب سال گرافیک اروپا شد.

◄ سالروز درگذشت **غلامحسین صالحیار** روزنامه نگار، **علی اصغر گرمسیری** بازیگر، **فریدون باغ شمالی** تصویربردار تلویزیون، **مهدی تاکستانی** نوازنده تار، **علی باقرزاده** نویسنده و شاعر، **آنتونی فان دیک** نقاش بلژیکی و **ادیت سیتول** شاعر و منتقد انگلیسی هم امروز است.

هشتگ

#راجر_واترز

پخش صحبت‌های یک ستاره موسیقی راک از شبکه خبر به‌عنوان کارشناس مسائل سیاسی باعث شد کاربران ایرانی با این ماجرا حسابی شوخی کنند. در بخش خبری سه‌شنبه صبح شبکه خبر گفت‌وگوی راجر واترز خواننده گروه پینک فلوید با شبکه راشا تودی درباره جو بایدن پخش شد و شبکه خبر از واترز به‌عنوان کارشناس مسائل سیاسی نام برد. عکس‌ها و فیلم‌های این چند دقیقه را کاربران زیادی بازنشر کردند و با شوخی و طنز درباره‌اش نوشتند: «آقای راجر واترز هستن، خواننده پینک فلوید و «کارشناس مسائل سیاسی» در تلویزیون ایران.»، «بیاید به اینکه صداوسیما مصاحبه با راجر واترز رو پخش کرده واکنش نشون ندیم، شاید این دفعه کنسرتش رو هم برامون پخش کردن.»، «در مدار صدا و سیمایی‌ها، راجر واترز کارشناس مسائل سیاسیه.»، «همین راجر واترز که الان توی سیمای میلی فعال سیاسی شبکه خبر شده یه زمانی جابه‌جا کردن نوارش و بعدها وی اچ‌اس کنسرت‌هاش جرم بود.»، «یعنی تو کل دم و دستگاه شبکه خبر یه نفر هم موسیقی گوش نمیده که راجر واترز رو بشناسه؟! خیلی عجیبه برام... مگه میشه؟ به راجرز واترز بگن کارشناس مسائل سیاسی؟! همین کافیه که هرگز آنتن تلویزیونم رو وصل نکنم دیگه.»، «ایران جایی بود که به راجر واترز میگفتن کارشناس مسائل سیاسی و حامد همایون هم به خوانندگی مشهور بود.»، «هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم راجر واترز رو این‌طوری تو شبکه ملی ببینم»، «یعنی هرجای دیگری در دنیاهای موازی و متقاطع و متنافر فکر می‌کردم راجر واترز رو ببینم جز شبکه خبر»، «راجر واترز، با خودت چه کردی مرد که بهت میگن تحلیلگر سیاسی»، «از صداوسیمای جمهوری اسلامی خواهشمندیم کنسرت The Wall آقای راجر واترز کارشناس سیاسی امریکا رو هم پخش کنن ما لذت ببریم، با تشکر.»، «بعد از خبر زرد نسیم در مورد بیل گیتس حالا هم در معاونت سیاسی رسانه ملی از یک خواننده و نوازنده انگلیسی به‌عنوان کارشناس مسائل سیاسی نام می‌برند! با اعتماد مردم به رسانه‌های رسمی چه کردید؟»، «اگر کسی بخواهد در شبکه خبر به‌صورت میهمان یا کارشناس حضور پیدا کند باید از استعلام‌های بسیاری عبور کند اما ناگهان راجر واترز نوازنده و خواننده گروه پینک فلوید به‌عنوان کارشناس مسائل سیاسی در شبکه خبر حضور پیدا می‌کند.»، «آقای راجر واترز هستند، کارشناس جدید مسائل سیاسی و بین‌الملل شبکه خبر، از امروز می‌تونید سؤال‌های سیاسی درباره امریکا یا موطن وی انگلیس را از آقای راجر بپرسید، در حاشیه به سؤال‌ها درباره موسیقی بخصوص راک و گروه پینک فلوید هم پاسخ داده می‌شود!»

شهروند مجازی

یگانه خدامی

آغاز واکسیناسیون

ماجرا

دیروز واکسیناسیون کرونا در انگلستان آغاز شد و یک زن ۹۰ ساله به‌عنوان اولین نفر این واکسن را دریافت کرد. خبری که در شبکه‌های اجتماعی بازتاب زیادی داشت و کاربران ایرانی هم با بازنشر آن درباره‌اش نوشتند. در کنار این اتفاق خوب که می‌تواند برای پایان این بحران امیدبخش باشد کاربران ایرانی از نگرانی‌شان برای رسیدن واکسن کرونا به ایران می‌نوشتند و عکسی از یک تور استانبول برای تزریق واکسن کرونا هم دست به دست می‌چرخید: «تور استانبول «ویژه تزریق واکسن کرونا»! زیبا نیست؟»، «امروز در انگلیس واکسیناسیون گسترده شروع شده. چند روز دیگه هم در کانادا و امریکا و باقی کشورها. پیشنهادم به مسئولان عزیزاینه که بشینین ببینین اونا چه سیستم توزیع عادلانه‌ای رو برای ملتشون طراحی کردن که روز توزیع واکسن کرونا ملت زیر دست و پا نمیمونن.»، «وظیفه اصلی دولت در شرایط پاندمی، خرید میزان لازم و کافی واکسن کرونا برای مهار این ویروس در جامعه است؛ جان مردم نباید بازیچه باشد تا واکسن ایرانی ساخته شود و به تولید انبوه برسد! این خواسته طبیعی و مهم مردم است که بدانند چه اقدامی برای تأمین واکسن کرونای استاندارد انجام شده است.»، «به‌نظرم این تزریق واکسن به خانم ۹۰ ساله به‌عنوان اولین واکسن تأیید شده کرونا از اون روزهای تاریخی خواهد بود.»، «یه جا نوشته بود کانادا ۹ دوز واکسن کرونا برای هر شهروندش پیش خرید کرده. شلخته درو کنید یه چیزی هم گیر خاورمیانه بیاد خب»، «تور واکسن کرونا، استانبول، شروع قیمت از ۱۲ میلیون تومان. داستان کاسبی کرونا تازه داره شروع میشه»، «این شکل گرفتن کره از آب به فکر جن هم نمیرسه. تزریق واکسن کرونا در استانبول. دیگه موندن چه طور جیب مردم رو تلکه کنن اقتصاد ترکیه رو شکوفا کنن»، «مادر من ۶۵ سالشه و در اثر کرونا ۳۰ درصد ریه‌هاش درگیر شد. این ویروس شوخی بردار نیست. خیلی‌ها ناقل بدون علامت هستند. هرچی دیرتر واکسن به ایران برسه، جون مردم بیشتری در خطره.»، «در تئوری میگن مشکلی نداره اما وقتی به‌خاطر تحریم نشه پولی جابه‌جا کرد عملاً از واکسن هم خبری نیست! این سؤال را من درباره امکان فروش واکسن بیوان‌تک به ایران از مسئولان این شرکت هم پرسیدم اما جوابی ندادند. امکان خرید واکسن باید تبدیل به یک جریان رسانه‌ای بین‌المللی بشه.»

عکس نوشت

جایزه نوبل ادبیات امسال به دلیل محدودیت‌های ناشی از شیوع ویروس کرونا در خانه لوئیز گلیک برنده این جایزه، به او اهدا شد. لوئیز گلیک به پاس «صدای شاعرانه متمایز که به هستی فردی هویتی جهانی بخشیده» به عنوان برنده نوبل ادبیات معرفی شد و در سخنرانی اش برای دریافت این جایزه از احساس وحشت و سراسیمگی اش پس از انتخاب شدن به عنوان شانزدهمین زن برنده نوبل ادبیات سخن گفت. گلیک به عنوان نویسنده ۱۲ کتاب و برنده جایزه پولیتزر، کتاب ملی امریکا و چند جایزه معتبر دیگر نیز شناخته می‌شود.